

### ویژه‌نامه بر نامه ششم توسعه

### ۷

## یادداشت

- 

## بر نامه ششم توسعه در پرتو اقتصاد مقاومتی



**سید احسان خاندوزی**(۱] ۲۹ سال بر نامه ریزی پیش‌و ۲۵ سال بر نامه ریزی پس از انقلاب اسلامی گر چه دستاور دهایی عمد تا در حوزه اقتصادی

داشته است اما نه موجب تحقق هدف توسعه یافتگی و پیشرفت شده‌و نه حتی ثمراتی هم‌وزن هزینه‌های مادی و انسانی و سازمائی آن به دنبال داشته است.
تصویر کنونی توسعه کشور بیانگر یکی از ۳۰ اقتصاد بزرگ دنیا بر اساس تولید سرانه، با بالاترین منابع هیدرو کربوری جهان و یکی از بهترین ترازهای سرمایه انسانی است اما از جهت نتایج؛اقتصادی است با رشدی ناپایدار و وابسته به نفت، با رابطه‌ای نامستحکم میان دولت و مردم،با پر خور داری ناموزون میان مناطق مختلف، با سستی پیوندهای اخلاقی واجتماعی، عملگر دی با بهره‌وری اندک سرمایه و نیروی کار و در مقابل با ائتلاف و فساد قابل توجه.

غیر مقاوم بودن اقتصاد ایران به عنوان یکی از نمودهای ناموفق بودن بر نامه‌های توسعه در سال‌های اخیر بیش از بقیه ابعاد مورد توجه قرار گرفته است.
تاثیر منفی آسیب پذیری اقتصاد بر مواضع سیاست خارجی و انرژی هسته‌ای مهمترین علت افزایش تاکید بر مقاوم سازی اقتصاد ایران بود.
هزینه‌های رفاهی در سال‌های ۹۲-۱۳۹۱ موجب کاهش ۲۱درصدی درآمد سرانه ایرانیان طی آن دو سال، جهش نرخ ارز و نرخ تورم و هشت فصل نرخ رشد منفی اقتصاد گردید. البته در همین شرایط بود که دولت توانست بودجه خود را با یک سوم از نفتی سال ۱۳۹۰ تراز نماید.در مجموع تنگنای خارجی پس از تحریم‌ها تلنگری بود به سیاستگذاران اقتصاد ایران که روش مألوف بر نامه ریزی با این نتایج ناپایدار را به کناری نهند و مسیر ی دیگر برگزیند.
این ثمرات را نباید به معنای عدم نیاز اقتصاد به بر نامه توسعه دانست بلکه اتفاقا اقتصاد ایران در چنین شرایطی بیش از پیش محتاج حرکت بر اساس بر نامه و قاعده است اما نه بر نامه هایی به سباقی تجربه‌های ناکام پیشین.

مطالعات نشان می‌دهد ضرورت دیگر برای مقاوم سازی اقتصاد ایران، مسائل مزمنی است که در دوره اخیر به آستانه هشدار نزدیک شده است.
مختصات زیر پوست اقتصاد ایران در شرایط معمولی نیست و بنابراین مواجهه معمول با آن ناشی از زمان ناشناسی است.
انباشت مستمر تعهدات دولت به بانک‌ها و صندوق‌های تأمین اجتماعی و پیمانکاران بخش خصوصی در کنار تعهد ماهانه به پرداخت همگانی یارانه نقدی، یکی از این متغیرهای نگران کننده است.
شاخص‌های کارایی و سلامت سیستم بانکی و اختلال‌های ناشی از بازار غیر متشکل پولی (موسسات فاقد مجوز) و مسابقه در پرداخت سود برای حذف سپرده، نیز مثال دیگری از معضلات رو به وخامت است.
همچنین برآوردها نشان می‌دهد مسیر کنونی حتی با بالاترین نرخ رشد (۵ در صد در هر سال) (به حداقل سه میلیون نفر بیکار در سال ۱۴۰۰ منجر می‌شود که اکثر آنها دانش آموختگان دانشگاهی هستند.
اگر بپذیریم که نرخ رشد سال ۱۳۹۴ در حوالی صفر در صد خواهد بود (بر مبنای مدل‌های پیش بینی) به نظر می‌رسد مساله بیکاری نامطلوب‌تر از سناریوی فوق خواهد بود و باید منتظر نازباتی‌های کارگری بود.
تاکید اخراج رهبر معظم انقلاب بر تحکیری اقتصاد مقاومتی در نامه پاسخ به معاون اول رئیس جمهور و همچنین جلسه اخیر معظم له با دولت که طی آن خواستار انطباق برنامه ششم توسعه با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی شدند، نشانه هوشمندی نظام برای بهره گیری از عبرت آسیب پذیری اقتصاد در سال‌های گذشته است.
این تاکیدات هم‌زمان با پیشبرد توافق هسته‌ای و احتمال گشایش برخی تحریم‌ها به خوبی موبد تصریح پیشین رهبری نظام در نشست با کارگزاران[۲] است که طی آن اقتصاد مقاومتی نه یک تاکتیک مقطعی، بلکه راهبردی بلندمدت برای جمهوری اسلامی نامیده شد.
قرینه دیگر برای اولویت مقاوم سازی اقتصاد در توافق هسته‌ای متصور است و بسیاری از تحلیل گران خراسانی و دماوندی ۸ سال نخست پس از روز اجرا را مسیری شکننده می‌دانند.
برخی اخبار نیز حاکی از هشدار است که آمریکا در باره خوش بینی مطلق در رابطه بلندمدت با ایران به برخی فعالان اقتصادی اروپایی داده دارد.
در چنین زمینه‌ای شرط سیاست خردمندان، عمل به احتیاط و آمادگی برای بدترین احتمال است.

در مجموع می‌توان گفت از بین اهداف متعددی که برای برنامه ششم توسعه متصور است، نخستین گام توافق دولت و مجلس بر ضرورت تقلیل اهداف محوری و پرهیز از برنامه‌های جامع پیشین است که موجب پر اکندن ظرفیت و منابع می‌شود.
مختصات بسیار ویژه، بر نامه‌ای بسیار ویژه می‌طلبد.
دومین گام، اولویت بندی میان اهداف محوری است و به نظر می‌رسد مقاوم سازی اقتصاد ایران برانده‌ترین گزینه‌ای است که ثمرات اقتصادی و سیاسی ملموس تر و حیاتی تر در پی دارد.

[۱] عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی
[۲] ۲۰ اسفند ۱۳۹۲

<sup>[1]</sup> عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی
<sup>[2]</sup> ۲۰ اسفند ۱۳۹۲


علی چشمی



علی نصیری اقدم



سید احسان خاندوزی



عباس شاکری



جمشید پژویان



فر شاد مومنی

## پرونده خراسان درباره ۷ دهه برنامه ریزی توسعه در ایران

# توسعه در دام برنامه

مهم و مغفول مانده در برنامه‌های توسعه در ایران، درک صحیح از مفهوم برنامه ریزی توسعه است که نتیجه آن انبوهی از هدف گذاری‌ها بدون اولویت بندی مشخص است که اجازه نداده مجموعه توان بخش‌های مختلف حاکمیت در جهت رسیدن به اهداف اصلی بسیج شود و

موجب شده توان محدود کشور در مواجهه با اهداف توسعه‌ای نا محدود، هدر رود و توسعه‌ای غیر متوازن رقم زند که خروجی آن بحران آب و محیط زیست، با وجود توسعه بسیاری از صنایع کلان است.

صنایع کلانی که فاقد زنجیره خرد یا بین دستی

موجب شده توان محدود کشور در مواجهه با

برای کسب ارزش افزوده بیشتر از تولیدات داخلی است و موجب شده تا نیروی کار پشت سد توسعه نیافتگی این زنجیره خرد منتظر بماند. همه این‌ها ریشه در برنامه ریزی غلطی دارد که همچنان رشد کمی را به توسعه کیفی و انبوه منابع مالی را به رشد بهره‌وری ترجیح می‌دهد.

باز خوانی ۷ دهه برنامه ریزی توسعه در کشور

# ناکامی‌های برنامه ریزی توسعه

**حقگو، غیائی** – ۶۷ سال از برنامه ریزی توسعه در کشور می‌گذرد. بعد از طرح و اجرای ۵ برنامه اقتصادی قبل از انقلاب، ۵ برنامه توسعه بعد از انقلاب، تدوین چشم انداز ۲۰ ساله کشور در سال ۱۳۸۴، طرح تحول اقتصادی در سال ۱۳۸۷ و ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۲، اکنون در آستانه ارائه و نهایی شدن بر نامه ششم توسعه انتظار می‌رود از تجربه ۶۷ ساله کشور در تدوین این برنامه‌ها و تشکیل ساختارهای اجرایی و نظارتی بهترین استفاده بشود و طلسم شکست (نسبی) بر نامه‌ها شکسته شود.

چنانچه جدول و نمودار زیر نشان می‌دهد بسیاری از برنامه‌ها تا کنون به اهداف خود نرسیدند. بر نامه‌های قبل از انقلاب با توجه به شروع فرآیند برنامه ریزی و بکر بودن منابع و ظرفیت‌ها، باعث دستیابی به نرخ‌های

رشد بالایی شد. در آن دوران که نرخ رشد اقتصادی به عنوان هدف توسعه منظور می‌شد، با وجود توجه به برنامه ریزی جامع، بسیاری از جنبه‌های پیشرفت مثل توزیع درآمد و عدالت اجتماعی، گسترش زیر ساخت‌های شهری در کنار توسعه صنعتی، توسعه روستایی و خود کفایی و … مورد بی‌توجهی قرار گرفت که برخی تبعات آن مثل ایجاد ابر شهرها، ترافیک و آلودگی غیر قابل کنترل و حاشیه نشینی گسترده تا کنون نیز باقی است.
امادر برنامه‌های بعد از انقلاب، توجه به عدالت و توسعه روستایی در کنار رشد توسعه اقتصاد ی مورد توجه قرار گرفت. ولی بسیاری از برنامه‌ها از نظر رشد به اهداف خود نرسید. در اولین برنامه توسعه، موضوع آزاد سازی و تعدیل ساختاری مورد توجه جدی قرار گرفت که به شدت شکست

خورد. با وجود توجه به بیماری‌های عمیق اقتصاد از همان اولین برنامه و توجه جدی به موضوعاتی چون فساد اقتصادی ( ابلاغ فرمان ۸ ماده‌ای و تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد)، خصوصی سازی ( ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴) و هدفمندی یارانه‌ها در دهه ۸۰، بسیاری از این طرح‌ها هنوز به اهداف خود دست نیافته است.

اگر چه جزئیات برنامه ششم هنوز نهایی نشده است اما در هر حال به یک برنامه توسعه‌ای خواهیم رسید که آغاز راه است و تمام مشکلات پیشین و زمینه‌های شکست بر نامه‌های قبلی آن را تهدید خواهد کرد. یکی از مهمترین آن‌ها – مخصوصا در برنامه‌های بعد از انقلاب – جامعیت بیش از حد برنامه‌ها و به قول بسیاری از کار شناسان، رویایی بودن اهداف

بوده است. در این شرایط پیشنهاد تجربیات جهانی و دانش برنامه ریزی، اولویت بندی اهداف در بستر برنامه ریزی به روش هسته‌های خط دهنده است. از نظر اصل مشار کت نیز هر گز برنامه‌های توسعه نتوانسته‌اند اقشار مختلف مردم و بخش خصوصی را با خود همراه کنند. عدم شفافیت استراتژی‌های کلان و اولویت‌های اصلی کشور، در کنار توجه افراطی به برنامه ریزی دستوری به جای انگیزشی علت این موضوع بوده است. سازمان مدیریت و برنامه ریزی و دولت در کنار ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی می‌توانند با ایجاد همگرایی بین اقشار مختلف مردم و نخبگان و به پشتوانه رهبری، دست به انتخاب دقیق اولویت‌های کشور زده و با اعلام شفاف به مردم و تمرکز بر مهمترین اولویت‌ها، امکان

استفاده از تمام ظرفیت‌های اجرایی و نظارتی را فراهم آورند. انتخاب اولویت‌های اصلی و هسته‌های خط دهنده ضروری کشور از دل اهداف جامع و با کار تحلیلی دقیق، از سویی تبعات منفی برنامه‌های قبل از انقلاب را از بین برده و از سوی دیگر، جامعیت را با خود همراه کنند. عدم شفافیت استراتژی‌های کلان و اولویت‌های اصلی کشور، در کنار توجه افراطی به برنامه ریزی دستوری به جای انگیزشی علت این موضوع بوده است. سازمان مدیریت و برنامه ریزی و دولت در کنار ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی می‌توانند با ایجاد همگرایی بین اقشار مختلف مردم و نخبگان و به پشتوانه رهبری، دست به انتخاب دقیق اولویت‌های کشور زده و با اعلام شفاف به مردم و تمرکز بر مهمترین اولویت‌ها، امکان

بی توجهی به همه این مسائل یک نتیجه مشخص دارد و آن اینکه ۵ سال دیگر، اهداف برنامه ششم را در کنار دستاوردهایش قرار خواهیم داد و خواهیم گفت: " برنامه‌های خوبی بود اما خوب اجرا نشد ". آیا بهتر نیست اکنون به این فکر کنیم که چرا اجرا نشد؟ کدام سازمان‌ها و نهادهای امکان اجرای یک برنامه توسعه را از بین می‌برند؟ کدام بخش‌های برنامه رویایی و نشدنی را در نظر بگیریم و یک بار برآی همیشه از هزینه‌های سیاسی آن نترسیم؟

بدون توجه به این سوالات مهم، ۵ سال دیگر، یک ردیف دیگر به جدول زیر اضافه خواهد شد که یا شکست خورده است و یا جزئیات ما را از موفقیت نسبی آن دفاع کنیم. اما در هر حال مشکلات بنیادین نهادی و ساختاری مثل نظام بانکی، مالیاتی، بودجه عملیاتی، نظام‌های حمایتی و باز توزیعی، … همچنان با پر جا خواهد ماند.

بر نامه‌های بعد از انقلاب

